

۱۱
فایده مهمتر راهبرد اروپای دوم آن هنگام است که در صورت شکست استراتژی تفاهم می‌تواند در ایجاد رخنه در دیوار تحریم‌ها از آن استفاده کرد.

اگر توافق ژنو علیرغم همه تلاش‌ها به نتیجه نرسد که احتمال آن حداقل ۵۰ درصد است کشورهای اروپای دوم به چند شکل می‌توانند در برابر تحریم‌ها به ایران کمک کنند: لغو تحریم‌های اتحادیه اروپا که بخش مهمی از تحریم‌ها محسوب می‌شود، حذف تحریم‌های غیررسمی که بر اثر فضا سازی‌ها و نه تصمیمات رسمی ایجاد شده است، پذیرفتن و عمل کردن به احکام دادگاه‌های اروپایی علیه تحریم‌های بانکی (که قبلا با مقاومت کشورهای اروپایی روبرو شد)، استفاده از مقرهای تحریم برای دور زدن آن‌ها مانند مبادله کالا یا.....

نکته مهم در این مسئله اینجا است که امروز تمام کشورهای اروپایی با خواست و اراده خود اقدام به تحریم‌های همه جانبه و بعضا سختگیرانه‌تر از تحریم‌های آمریکا کرده اند اما اگر اتحادیه اروپا بر اثر فشار آمریکا و به این دلیل که مشمول تحریم‌های آمریکا نشوند با این کشور همراهی کنند ولی خود به صورت جمعی یا فردی اراده‌ای برای تحریم ایران نداشته باشند، در بدبینانه‌ترین حالت در دور زدن تحریم‌ها با ایران همراهی می‌کنند و تجربه‌های قبلی نشان می‌دهد که در این صورت بعید به نظر می‌رسد آمریکا بتواند فشاری که اکنون ایجاد کرده است را دوباره ایجاد کند. ۱۲. نکات مثبت سند

۱۲
این راهبرد نیاز به عزم جدی، برنامه مدون و استفاده از تمام ظرفیت دستگاه وزارت خارجة مخصوصا سفارتخانه‌ها دارد.

اینکه وزیر امور خارجه ایران هراز چندگاهی سفری به این کشورها داشته باشد یا نمایندگان سیاسی و اقتصادی شان به ایران سفر کنند و در این حین رایزنی‌هایی صورت گیرد البته

راهبرد اتحادیه اروپا درقبال ایران تاییدی بر راهبرد اروپای دوم است و می‌تواند مبنای عمل وزارت خارجة قرار گیرد. درباره نکات منفی این سند مانند موضوع حقوق بشر در ایران زیاد صحبت شده است و روشن است که نباید نسبت به بخش‌های منفی آن مواضع صریح نگرفت اما توجه نکردن به نکات مثبت سند نیز همان اندازه خطاست که تسامح بر مداخله جویی نادرست است. در این سند راهبردی نشانه‌های مهمی از درست بودن راهبرد اروپای دوم وجود دارد و می‌تواند مبنای دستورکار وزارت خارجة در تعامل با اروپا قرار گیرد چرا که در آن اروپا به ایران بعنوان یک عنصر مهم در عرصه بین‌الملل و اقتصاد نگاه می‌کند که می‌توان در تعامل با آن مسائل منطقه‌ای بزرگ مانند سوریه و.... را حل کرد و منافع اقتصادی خوبی بدست آورد که این راهبرد در تضاد با استراتژی‌های آمریکا و سه کشور اروپایی قرار دارد. مهمتر آنکه در این سیاست گذاری کلان تاکید شده است که در قبال ایران باید راهبردی مستقل از شرکا (یعنی آمریکا) در پیش گرفت در حالی که می‌بینیم تروئیکای اروپا تاکید بر هماهنگی کامل با آمریکا در قبال ایران دارند. ضمنا در شناخت نگاه طرف اروپایی نباید فراموش کرد که مسئله‌ای مانند حقوق بشر مسئله همیشه در دستور کار اروپا بوده و تجربه تعامل با اروپا در ماجرای مشهور به مذاکرات سازنده نشان داده است وقتی پای عمل پیش بیاید این قبیل مسائل برای آن‌ها اموری درجه دو محسوب می‌شود.

امری لازم هست اما کافی نیست. اهمیت و تاثیرگذاری این راهبرد موازی در کنار استراتژی تفاهم و همچنین در صورت به شکست رسیدن آن، به گونه‌ای است که باید با نگاهی جامع، ابعاد عمومی راهبرد مربوط به کشورهای اروپای دوم و خاص هر کشور به صورت جداگانه را در حوزه‌های دیپلماسی رسمی و دیپلماسی عمومی با رویکردهای سیاسی و اقتصادی متناظر با کنش گران داخلی و خارجی تدوین و به مرحله اجرا دریاورد.

چرا که ممکن است باعث برداشت احساس تحقیرکردن این کشورها توسط ایران شود ما بعنوان بخش غیردولتی برواقعیتی موجود گذاشتیم و برای انتقال روشن پیام خود از این ادبیات استفاده کردیم اما معتقد به استفاده از این ادبیات توسط مقامات رسمی نیستیم.

۱۳
استفاده از کلیدواژه اروپای دوم برای مقامات رسمی نتیجه عکس می‌دهد

سوالات با خرد جمعی کارشناسان، قابل رفع است. نکته اصلی این است که رفتار دولت اینگونه نشان می‌دهد تنها راهبرد اصلی اش استراتژی "تفاهم" است و برای بعد از عدم موفقیت احتمالی در رسیدن به تفاهم فکری نشده است که این امری خطرناک برای دستگاه دیپلماسی است. راهبرد «اروپای دوم» پیشنهاد ما در این زمینه است، اگر دولت به این راهبرد معتقد نیست برای آینده بسیار محتمل طرحی دیگر در دستورکار قرار دهد وگرنه...

۱۴
راهبرد اروپای دوم هنوز یک ایده است اما ایده‌ای که ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به برنامه دارد.

روشن است که در اثبات و پیاده سازی این ایده سوالات، ابهامات و احیاناً ضعف‌هایی دیده می‌شود اما زمانی که تصمیم گرفته شود روی این ایده کار کارشناسی صورت گیرد این ابهامات و